



نهضت نجات ملی ایران

National Salvation Movement of Iran
1996

نهضت نجات ملی ایران
۱۳۷۵

<http://www.nehzat.org>
<http://www.nejat.info>
nehzatnejat@hotmail.com
nejatmeli@hotmail.com
nehzat2002@yahoo.com
nejatmeli@yahoo.com

با درود به هم میهنان و هموطنان عزیز و گرامی

صفحات آخر از شکایت عباسی دبیرکل نهضت نجات ملی ایران به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم را جهت مطالعه جوانان و مبارزان میهنان بار دیگر نشر می دهیم . این رنجامه در زندان کرمان نگارش شده و توسط معاونت فرهنگی نهضت تنظیم و علاوه بر اینکه در اختیار نمایندگان قرار گرفته است در سال ۱۳۸۰ این درننامه در بیش از ۶۰ صفحه بصورت کتاب و جزوه منتشر شده و در بین مردم پخش گردید که با استقبال مواجه شده و به توسط آحاد ملت بصورت وسیعی تکثیر و بین قشرهای مختلف اجتماع توزیع گشت و در سایتهای مستقل اینترنتی نیز بصورت کامل این شکایتمه در سال ۱۳۸۰ نشر یافته است .

حکومت آخوندی باید برود
پاینده و جاوید ایرانی آزاد و آباد
معاونت فرهنگی نهضت نجات ملی ایران
۲۰ مهر ماه سال ۱۳۸۳

شریفه مکروه و مکروه الله و الله و خیرالماکرین و عدو شود سبب خیرگر خدا خواهد است این مسئله و اما در ارتباط با شاخه‌های دانشجویی نهضت نیز نه اینکه بنده در جریان امور نباشم ولی خارج از حوزه عمل و وظائف تشکیلاتی اینجانب در نهضت بوده و مسئولیت آن با مسئول محترم ارتباطات و مسئول محترم امور دانشجویی از معاونت اجتماعی در دبیرخانه مرکزی نهضت است که مطمئناً به موقع و در صورت لزوم خودشان جواب بیانیه و اکاذیب آن را که فارغ از هوشمندی لازم تهیه شده است خواهند داد. فقط یک اشاره کوچک به خطب حضرات وزارت اطلاعات داشته باشم که چگونه ممکن است حتی در یک شرایط بسته با توجه به دارا بودن ۲ خواهر و یک برادر دانشجو و دامادی دانشجو اینجانب عاجز از ایجاد تشکل دانشجویی باشم و شما نمایندگان محترم همین فرایند را تعمیم بدهید به کلیت نزدیکان من از اقوام و خویشان و دوستان ببینید که ادعای روابط عمومی اطلاعات چقدر مضحک است بویژه اینکه همین مسئله را شما به تک تک اعضای نهضت تعمیم دهید براستی چگونه شکلی به خود خواهد گرفت

نمایندگان محترم کمیسیون اصل ۹۰

از جمله جدلهای این جانب با آقایان اطلاعاتی به یاد داشته‌های روزانه‌ام بر می‌گشت به طور مثال پیرامون ترور لاجوردی از اعضای متلفه و عنصر راستی تندروئی که علاوه بر چهره رژیم متأسفانه چهره ایران را نیز در نزد افکار جهانی مخدوش و کریه نمود که دیدگاه من مکتوب بود و ضمن محکومیت اعمال تروریستی حال از سوی هر جریان و گروهی که باشد از واقعیتها و حقایق نیز نمی‌بایست غافل بود که لاجوردی یک جنایت کار و جلاذ بیش نبود فردی عقده‌ای و مرتجع متحجر و با آنکه وی مرده است ولی درست آن بود که وی زنده می‌ماند و همراه با همفکران و همراهان و همجرمانش در یک دادگاه حقوقی و بی طرف بر اساس موازین حقوق بشری نزد جهانیان از سوی ملت ایران به محاکمه کشیده می‌شد و

موضوع دیگر قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ بوده و هست به چه دلیل می‌بایست زندانیانی که عموماً از نیروهای تحصیل کرده و آگاه اجتماع بودند و محکوم و در حال گذراندن حبس و روز شمار و چشم انتظار آزادی به تقاص دیگر کشته شوند - کجای این عمل یک کار دینی و در کدام دین و مذهب چنین عملی مجاز شمرده شده - آیا رفتار به اسلام چنین است مسلمانانی که به بند کشیده شده‌اند حال به حق و یا ناحق و مادران و پدران و همسران و فرزندان آنان چشم به راه آزادیشان هستند - در یک فرصت همه را جمع کنید و یک کشتار دسته جمعی راه اندازید - صدها تن را کشتید به چه جرمی و به چه گناهی - آیا گناه آنان جز این بود که حاکمیت ستم و جور را پذیرا نبودند آیا جرم و گناه آنان جز آگاهی و روشنفکری بود آیا جرم و گناه آنان جز آزادی خواهی و استبداد ستیزی چیز دیگری بود، آیا گناه آنان جز این بود که به ایران کشورشان و میهنشان عشق می‌ورزیدند و ایران میهن خود را آباد و آزاد می‌خواستند به ای ذنباً قتلت - نصر الله - را به چه گناهی بعد از تحمل آنهمه درد و رنج کشتید و کمال را مسعودیها، عطائیه‌ها، نوریها، و عقیلی را چرا کشتید - جرمشان چه بود اگر اعدامی بودند خب چرا قبلاً آنها را به زندان محکوم ساخته بودید - کدامیک از جوامع بشری گواه چنین جنایت هولناکی بوده است در کجای تاریخ جنایتی چنین سراغ دارید جز عهد دیکتاتورهای جنایتکاری چون چنگیز و هیتلر -

نمایندگان محترم چرا کمیته حقیقت یاب و تحقیق تشکیل نمی‌دهید و عاملین آن جنایت تابستان خونین را معرفی نمی‌کنید. مادر من چه گناهی داشت و چنین سقط شده به چه جرمی باید قربانی اهداف پلید و شوم قدرتمندان عطشان حاکمیت باشد، در مرداد ماه ۶۷ در پی مراجعه خانواده‌ام برای ملاقات به درب زندان اشتری (زندان سیاسیون) و از آنجایی که ملاقاتهایمان ممنوع شده بود اعلام می‌کنند فرزندان اعدام شده‌اند - گورتان را گم کنید خانواده منافقین و حمله‌ای که به سوی خانواده‌ها برای عقب راندنشان از درب زندان به عمل

می‌آورند و شوکی که به مادرم وارد شده بود به جوی کنار خیابان می‌افستد و سقط جنین می‌نماید چه مادرانی که در آن روز دق مرگ نشده‌اند و چه پدرانی که سخته نکرده‌اند و این عمل یک جنایت علیه بشریت و تمام انسانها بود.

نمایندگان محترم

این جانب به عنوان یک شهروند ایرانی که دارای حق آب و گل در این سرزمین و به عنوان یک ستم‌دیده از اواسط دهه ۶۰ تا پایان دهه ۷۰ و کسی که گواه بر رنجهای بسیار رفته به زندانیان سیاسی و شهروندان ایران زمین - (حسب ادعای آقای هاشمی رفسنجانی که آنها پنج نفر بودند کشور را اداره کرده و هیچ توجهی به قانون نداشته‌اند که یکی از ۵ نفر نیز آقای خامنه‌ای بود) علیه آقایان سید علی خامنه‌ای (رهبر فعلی رژیم جمهوری اسلامی و رئیس جمهوری در مقطع سال ۶۷ تابستان خونین قتل عام زندانیان سیاسی موسس و دبیر کل حزب جمهوری اسلامی و عضو مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران) - علی اکبر هاشمی رفسنجانی برهمنانی (رئیس مجمع تشخیص مصلحت فعلی نایب رئیس مجلس خبرگان فعلی و رئیس مجلس در سال ۶۷ عضو موسس حزب جمهوری اسلامی و عضو مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران و عامل ساواک و سرویسهای اطلاعاتی بیگانگان) محمد علی ری شهری (عضو مجلس خبرگان رهبر و مجمع تشخیص مصلحت نظام فعلی و وزیر اطلاعات در مقطع سال ۶۷ تابستان خونین و مجری کشتار زندانیان سیاسی از پیروان مصباح یزدی و محصل مدرسه حقانی دادستان سابق دادگاه ویژه روحانیت طراح و مجری برنامه بر کناری آیت الله العظمی منتظری از مقام رهبری و فعالیت سیاسی) علی فلاحیان (عضو فعلی مجلس خبرگان و مشاور امنیتی فعلی رهبر وزیر اطلاعات سابق مجری کشتار فعالان سیاسی در داخل و خارج از کشور - قائم مقام وزیر اطلاعات در تابستان خونین سال ۶۷ و مجری کشتار زندانیان سیاسی - حاکم شرع سابق دادگاههای انقلاب از محصلان و شاگردان تئوریست خشتون اسلامی مصباح یزدی و مدرسه حقانی - مجری برنامه بر کناری آیت الله العظمی منتظری از مقام رهبری) اعلام جرم می‌کنم و با آنکه می‌دانم رژیم و قوانین آن گنجایش احقاق حق و حقوق ملت را از سلطه گران و قدرتمداران مستبد مافیایی ندارد با این حال خواستار بر پایی دادگاهی ملی یا قضاوت حقوقدانان شریف و منصف و بی طرف در برابر دید عموم ملت ایران

و انظار جهانی برای به محاکمه کشیدن افراد فوق و کسانی که مباشرت و مشارکت در جنایات دو دهه گذشته از انقلاب داشته‌اند هستم - بویژه اینکه مسئولیت کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ متوجه این اشخاص به جهت طراحی مشاوره اتخاذ تصمیم و آمریت و اجرای آن پروژه شوم و سیاه می‌باشد که باید از آن بعنوان جنایت علیه بشریت، حقوق انسان - آزادی و عدالت در جامعه جهانی یاد کرد

اعضاء محترم کمیسیون اصل ۹۰

بعد از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به کسانی که از آن قتل عام جان بدر برده بودند در بهمن همان سال عفو صادر شد که تماماً زندانیان سیاسی آزاد شدند مگر تعداد اندکی - در تابستان سال ۶۸ طی احضار اطلاعات در ستاد خبری حضور یافتم و توسط فردی به نام شریفی مورد تهدید قرار گرفتم گر با خطاکنم به مثل اولین خطا آخرین خطاست همچو رفتن پا روی مین و اینکه ما از جمله آنانی هستیم که عمودی از زندان بیرون آمده‌ایم نه به مثل دیگران که افقی بیرون آمده‌اند و باید مواظب باشیم و گر نه سرمان را زیر پوتین له خواهند کرد و به محض بیرون آمدن از آنجا به هنگام بازگشت که سوار بر دوچرخه نیز بودم به واسطه یک فرد سپاهی با تاکسی مورد تعقیب قرار گرفته و در یک فرصت زیر گرفته شدم که لطف خدا شامل حالم بود و تقدیر به گونه‌ای دیگر رقم خورد و با پرت شدن من راننده به خیالش که زیر شاسی تاکسی هستم دوچرخه را مسافتی طولانی کشید. در تابستان ۷۰ و یا ۷۱ بود که باز از سوی اطلاعات احضار شدم و از سوی فردی به نام مهدی مورد تهدید قرار گرفتم و اینکه اگر بنا به خطای ما باشد برای آنها مهم نیست دست می‌برند - پا قطع می‌کنند و هر نوع شکنجه ممکن و این در حالی بود که اکبر قربانی یکی از نیروهای مجاهدین در استانبول ترکیه روده و مثله شده بود - در همان جلسه مورد مأخذ بودم که آیا قصد خروج از کشور را دارم نمایندگان محترم این گوشه‌ای از رفتارهای یک نیرویی است که می‌بایست تأمین کننده

امنیت ملی باشد و آنهم در گوشه بسیار کوچک از کشور و موردی از هزاران موارد دیگر و حال مسائل فوق را مستند سازید به طرحی که از سوی وزارت اطلاعات بعد از سال ۶۸ و اوایل دهه ۷۰ با زندانیان سیاسی آزاد شده از زندان بعمل آمده نقل قول از یک فرد اطلاعاتی که خوشحال از آن بود در جریان کشتار زندانیان سیاسی بی گناه در اداره اطلاعات نبوده و در جبهه حضور داشته تا که مجبور نباشد چون دیگران در آن قتل عام مشارکت نماید - می گفت یکی از مسئولان بلند پایه وزارت (حال از معاونین و یا مدیران وزارت افرادی چون حاج سعید فرض کنید) می آید و جوای این مطلب میشود که آیا هنوز کسی از سیاسیون آزاد شده و یا شناخته شده در مخالفت با رژیم اسلامی و حاکمیت فعلی سر موضع است و بعد از در جریان قرار گرفتن نسبت به اوضاع مخالفین بر افروخته شده و می گوید نیروهای سر موضع فعال و متفعل برای ما معنی ندارد - همه باید از موضع پائین آورده شوند - به هر طریق ممکن حال با تخریب آنها به شیوه های مختلف و یا خرید آنها به طرق گوناگون و یا حذف فیزیکی آنها با راههای مرسوم

نمایندگان محترم این است روش حکومت حاکمیتی که شماها در آن عهده دار وکالت مردمید و مطمئناً بسیاری از شماها نسبت به موارد ذکر شده آشنا هستید و احتمالاً هر از گاهی مواجه با تجربیات تلخی نیز شده اید - به طور مثال رد صلاحیت احمد حکیمی پور نماینده دور چهارم مجلس برای دور پنجم مجلس که بخشی از آن مربوط به فعالیت اداره اطلاعات بر علیه ایشان در ارسال گزارشات به شورای نگهبان می باشد و یا در ابطال انتخابات مجلس پنجم در زنجان که نقش اطلاعات در آن مورد چنین بود که با فیلم برداری از مراسم پایانی یکی از سخنرانها و ازدحام مردم برای خروج از مسجد و پراکنده شدن آنها که توأم بوده با بازگشت پیاده کاندید و طرفدارانش که چنین موردی سوء استفاده و ضبط توسط اطلاعات به شورای نگهبان ارسال می شود با این توجیه که راهپیمایی صورت گرفته و موجبات ابطال را فراهم می آورند و از

جمله کارهای دیگر اطلاعات برهم زدن مراسم و تجمعات و گردهم آئیهای کاملاً قانونی و آنهم در محیطهای مسقف می باشد که نمونه آنها تحریک افراد جوان و نوجوان از خانواده شهدا و بسیج می باشد و با توجه به اینکه آنها نیز خود را مورد تشویق عناصر اطلاعاتی می یابند جریرت شده و با شور به برهم زدن تجمعات می پردازند - که نمونه آنها در زنجان مراسمی بوده در مسجد مهدیه برگزار شده و آقای ابراهیم یزدی و خانم اعظم طالقانی شرکت داشته اند که حتی ماشین آنها مورد حمله قرار می گیرد که البته نیروهای شناخته نشده اطلاعات نیز در آن حمله مشارکت داشته اند - این رفتارها نه خود سرانه بلکه حسب القائات و فضا سازیهایی است که از مجاری بالا به نیروهای پائین دست اطلاعات به عمل آمده است و گر نه بسیاری از این نیروها مخلص و از اقشار محروم جامعه اند و با نیتهای پاک در جهت خدمت به میهن مورد سوء استفاده و بهره برداریهای سلیقه ای و جناحی قرار گرفته اند - بسیاری از این نیروها همانهایی هستند که به دفاع از کیان ملی پرداختند و بعد از نثار جان و عمر خویش و قداکاریهای بسیار هنوز نیز از عیش اجتماعی خودشان در مضیقه هستند و به موتور هندایی که از خودشان نیست و به اداره و اموال عمومی تعلق دارد قناعت کرده اند و در مقابل نیز مسئولان و مدیران اطلاعات و آنانی که در وزارت هستند چه بسیار حیف و میلها و تزیینها که روا نداشتند و از هیچ فرصت طلبی سوئی فرو گذار نبودند در بیان مطلب فوق به هیچ وجه قصد تضعیف و تقویت جناحی از رژیم را نداریم بخصوص اینکه بقول حاج موسوی ایشان اطمینان دارند که حکم دهنده به اعدام زندانیان از کار خود پشیمان نیست و از طرفی مسئله اعدامها به تمامی جناحهای داخل رژیم بر می گردد و مورد حمایت همه آنها بوده است و همه در آن سهم بوده اند از اردبیلی گرفته تا تک تک نیروهای جریان چپ و حداقلش اینکه در مسئله اعدامها به مخالفت برخاستند و امروز هم مسئولیت آن متوجه همه است و مسئله یک جناح خاص نیست به کلیت نظام بر می گردد . آری حق با موسوی است

نمایندگان محترم

نظری به گذشته و سیر تحولات ایران بعد از انقلاب بباندازید بسینید انقلابی که برای محرومان بود با محرومان چه کرد، انقلابی که برای آبادانی و پیشرفت بود با آبادانی چه کرد، انقلابی که برای آزادی بود با آزادی چه کرد، انقلابی که برای رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی بود با ابتدائی‌ترین و ذاتی‌ترین حقوق انسانها چه کرد انقلابی که بر علیه استبداد بود چگونه خود استبداد آفرید و استبداد ورزید آیا جز این بود که قربانی این انقلاب محرومان و تهیدستان و پابرهنگان بودند همه ملت ایران قربانی اعمال سیاه پلید اندیشان شدند ولی اقشار محروم بیشترین آسیب را از این انقلاب متحمل گشتند - عده‌ای قربانی تنوره جنگ عده‌ای قربانی اسارت عده‌ای قربانی فعالیتهای سیاسی و گروه‌بازها - عده‌ای قربانی معضلات اجتماعی و بزبهای موجود در جامعه که بعد از انقلاب بروز کرده عده‌ای آواره کشورهای بیگانه و چه بسیاری که قربانی فقر هستند، این است بیلان ۲۰ سال حکومت بعد از دوران انقلاب که در کنار آن حیثیت و اعتبار ملی ما را در برابر دید عموم جهانیان خدشه دار کردند - و عظمت تمدن باستانیمان را منکوب ساختند -

نمایندگان محترم - نهضت نجات ملی ایران با آنکه قانون اساسی رژیم حاضر را بر نمی‌تابد و معتقد به بازنگری و اصلاح آن در راستای استقرار حاکمیت ملی و مردمی می‌باشد، با این حال شما را دعوت به عمل و رعایت همین قانون اساسی فعلی می‌نماید و من می‌گویم لعن و نفرین بر نماینده‌ای باد که قانون اساسی حاضر را نخوانده و نگاه و مرور بر آن نداشته قدم به خانه ملت گذارد لعن و نفرین به نماینده‌ای باد که قانون اساسی فعلی را خوانده و درک کرده و مفاهیم آن را فهمیده و بر آن اساس به وکالت مردم در آمده و به خانه ملت راه یافته باشد ولی به آن عمل ننماید و از ادای تکلیف و مسئولیت سر باز زند

نمایندگان محترمی که ادعای وکالت مردم را در خانه ملت دارید، قانون اساسی را دوباره

بخوانید، در همین قانون چه بسیار مواردی که به حقوق ملت و شهروندان ایران زمین اشاره شده و گاه‌آحادقلی از رعایت حقوق بشر در آن مطرح است ولی آیا به آن توجه شده است - چه مقدار از اصول ناقص همین قانون اساسی به واسطه قدرتمداران در حاکمیت نقص گشته و یا به اجرا در نیامده و یا معطل مانده است آیا به راستی بر حسب تصریح همین قانون اساسی رهبر در برابر قانون با آحاد ملت برابر است و واقعیت نیز چنین است آیا رهبری خود را ملزم و مقید به حرکت در چارچوب قانون می‌داند و آیا جناب خامنه‌ای که سابقه سلطه‌گری و خوی استبداد را در دوران ریاست جمهوری در مقطع معرفی کابینه به مجلس و درگیریهای با نخست وزیر وقت از خود بروز داده فقط به وظایف قانونی خود که نظارت و هماهنگی بر روابط قوای سه گانه است بسنده کرده و یا چه بسیار که در امور قوه مجریه مداخله و حتی اخیراً برای اینکه همونی خود را به رخ خارجیان بکشد - مقامات میهمان خارجی را نیز به حضور می‌پذیرد. آیا به راستی انتخابات مجلس خبرگان انتخاب است و یا به انتصاب می‌ماند، آیا مجلس خبرگان به وظیفه نظارتی خود بر اعمال رهبر عمل می‌کنند و یا به عنوان یک مجلس فرمایشی و متملق به جای دریافت گزارش از رهبر نسبت به اعمال و وظایفش - آن جمع چاپلوسان برای ارائه گزارش به حضور رهبر می‌شتابند و به واقع برای عرض ارادت چاکرانه به آستان بوسی می‌روند. آیا شکنجه و تحقیر در ایران وجود ندارد آیا آموزش و پرورش و بهداشت عمومی و درمان رایگان است آیا بیمه و خدمات اجتماعی عمومیست آیا آزادی بیان و نشرافکار محترم است آیا تفتیش عقاید ممنوع است آیا بازداشت‌های غیر قانونی بعمل نمی‌آید آیا تجمعات مسالمت آمیز ممکن است آیا اعمال اراده ملی و تعیین سرنوشت از سوی ملت به صورت آزادانه محیاست؟!

نمایندگان محترم فرآیند نظام و حکومت دینی شالوده‌ای از فساد ظلم و جنایت است. نظری به تاریخ و سرگذشت ملل به خوبی این را نشان می‌دهد، هر آنچه از ستم و جور و جنایت و

تضییع حقوق بوده به واسطه حاکمیت‌های ایدئولوژیک به عمل آمده آیا جز این بود که فاجعه کربلا به واسطه یک حکومت دینی محقق شد آیا شما می‌توانید منکر این واقعیت باشید که امویان در حکومتشان مدعی اسلامیت و میراث خواری راه پیامبر نبودند و آیا جز این بود که معاویه و یزید و دیگر امویان خلفایی بودند که خود را جانشینان پیامبر می‌دانستند و به آنها امیرالمومنین گفته می‌شد آیا جز این بود که یزیدی که امیرالمومنین مخاطب بود کعبه را حرمت شکست و به منجنیق بست و حرمت مسجد نبی را برد و چه غارتی که در مدینه نمود آیا جز این بود که خلفای عباسی مدعی حاکمیت دینی داشته و به عنوان حکومت دین به فساد مشغول بودند و همه آنها مخاطب به امیرالمومنین و حتی پسوند القابشان منتهی به کلمه الله می‌شد آیا جز این است که تیمور لنگ حافظ قرآن و شاعر به اسلام بود و در ارتکاب جنایات فروگذار نبود و اما معاصرتر سلاطین صفویه به الاخص شاه عباس آیا متشرع به دین و آنها در مذهب تشیع نبود و در عرض ارادت خود به ائمه آیا تمامی ابنیه‌های موجود به قبور ائمه در عراق و ایران را وی با گنبدهای طلائی و مناره‌های طلائی نساخت و پیاده به آستان بوسی امام رضا (ع) نرفت و چون سگی عوعو نمی‌کشید و در حکومت خود از دین و علما سود نمی‌جست و آیا هم او حداقل در ارتباط با فرزندانش جنایت پیشه نکرد و ستم روا نداشت آیا آقا محمدخان قاجار فقه نخواند و در ری بتحصیل علوم دینی نپرداخت و از دین در حکومت خود سود نمی‌جست و هم او که مرتکب چه جنایتها که نشد و حداقل آن رفتار با اهل کرمان است و آیا برجا ماندگان آقا محمدخان قاجار سلاطینی چون فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه نبودند و آیا آنان از دین بهره نمی‌گرفتند و آیا مبدع بحث ولایت فقیه ملا احمد نراقی کتاب معراج السعاده را تقدیم فتحعلی شاه نمود و استفاده شاه از دین زنیارگی نبود و یا ناصرالدین شاه که حداقل سازنده بقعه بسیاری از امامزاده‌ها در ایران است و از قرار باید مرثیه سرای خوبی نیز بوده باشد. آری دین در بد قدرت فساد آفرین است عمده جسارت‌هایی که ظالمان در

اعمال جنایت یافته‌اند به واسطه تمسک آنها به حربه دین بود - باید پذیرفت که قرین بودن دین و مذهب در حکومت مستوجب ضرر و زیان بر عموم ملت و از طرفی مبتلا ساختن حکومتها به فساد است. شیوه‌ای که متأسفانه در عصر معاصر و انقلاب ضد سلطنتی در ایران این سرزمین بلا زده تجربه گشت. جنگ خانه‌مان سوز با تمسک به عواطف و احساسات دینی و مذهبی مردم ایران استمرار یافت و جز بدبختی حاصلی نداشت - جریانها و گروههای سیاسی با حربه مذهب و دین رانده شدند. اعدامها به نام دین به عمل آمد و مبارزه با مسائل اجتماعی به نام دین شکل گرفت و در کمال تأسف فزونی یافت و قتل و جنایت نیز با تمسک به احکام و شرع به وقوع پیوست که نمونه آخر آن قتل‌های زنجیره‌ای بود لذا اینجاست که من به عنوان عضوی از نهضت نجات ملی ایران با اعلامی صریح و فریادی رسا می‌گویم که ما در پی نظامی سکولار و لاتیسیته هستیم برای برقراری حاکمیت ملی و مردمی و شما نمایندگان را نیز به نهضت نجات ملی ایران فرا می‌خوانم باشد که راه حق و سعادت را باز یابید و همسو و همگام با مردم شوید و تمدن ایران و فرهنگ ملیمان را پاس بدارید فرهنگ و تمدن و ارزش و میراث ملی که بیش از ۲۵۰۰ سال عمق دارد عمده آن نزدیک به ۱۴۰۰ سال توأم با حیات اسلامی بوده که نباید گذاشت بخشی از ارزشهای ملیمان مورد سوء استفاده قرار گیرد که در آن صورت با فنا مواجه خواهیم بود.

نمایندگان محترم

در جای جای ایران به واسطه حکومت دینی و عدم کارائی آن در حق ملت ایران ستم روا می‌شود که به بسیاری از آنها شما واقفید و هر از گاهی در روزنامه‌ها می‌خوانید و یا در بولتنهای محرمانه به شما ارائه می‌گردد - و یا می‌توانید با تحقیق و تفحص به ریشه بسیاری از حقایق برسید. از اینکه چقدر از اتهامات وارده به زندانیان می‌تواند پاپوش باشد به لحاظ توطئه‌ای برای کسب مال و تصاحب ثروت و یا تجاوز به ناموس که گاهاً پرونده‌هایی از این

نوع در حفاظت اطلاعاتهای نیروها باز و بسته می شود که تماماً توسط عمال همین حکومت اسلامی به عمل می آید و چه بسیار نا عدالتیها در قوه قضائیه به عمل می آید. در پایان خاطر نشان می سازم نسبت به موارد ذکر شده و اتهامات وارده بر اشخاص و یا دستگاهها اینجانب آمادگی کامل برای دفاع از مواضع خود را دارم مشروط بر اینکه این پاسخگویی در یک دادگاه بی طرف و در حضور قاضی عادل و منصف و در برابر ملت ایران به صورت علنی که هیئت منصفه آن افکاری عمومی و گواه آن آزادگان عالم، برگزار گردد.

و نسبت به مطالب عنوان شده در این شکوائیه و احراز مستند بودن مفاهیم آمده می توانید به اسناد اطلاعات رجوع کنید که تماماً مباحث و بازجوئیها و گفتگوهای بعمل آمده مکتوب و مضبوط است و من آمادگی خود را برای انتشار آنها اعلام می دارم مشروط بر اینکه تمامی مدارک مربوط به اینجانب انتشار یابد - یاداشت‌هایم مقالاتم - نوارهایم - بازجوئیهایم و انتقاداتم و مصاحبه ۵ ساعته ام تماماً بدون جرح و تعدیل و ابتر سازی

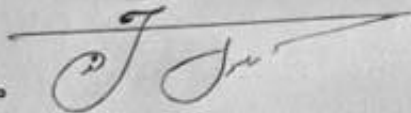
و نکته ای دیگر آنکه آیا رفتارهایی که با ما به عمل می آید و فشارهای وارده بر ما در پی کشف و خنثی سازی یکی دیگر از دسیسه های خبیثانه علیه امنیت ملی کشورمان نبود و آیا در آن توطئه که می تواند از سوی باز محافل خودسر دیگری تدارک شده باشد که قصدشان برهم زدن روند تشنج زدایی در روابط ایران با اروپا و آمریکا و مانع بهبود مناسبات و از طرفی تضعیف طیف و جناح اصلاح طلب در کشور و مانع تقویت این جریان به جهت عادی سازی در روابط خارجی باشد

منظورمان همان توطئه

است - آیا هیچ تحقیقی نسبت به این موضوع به عمل آمد که می توانسته با هماهنگی و برنامه و پروسه محفلی، آن روند را طی کند که در ابتدا ما نیز چنین برداشتی داشتیم و از آنجا که با احتیاط پیش رفتیم و موجبات افشاء و خنثی سازی را فراهم

ولی برآستی
آیا عده ای از این دخالت و نقش بر آب شدن توطئه ای علیه روند رو به رشد اصلاحات در کشور تدارک دیده شده بود که می توانست به تهدیدی عظیم علیه مصالح کشور منجر شود خشنود بودند و یا خشمگین که متعاقباً با ما چنین کردند - آیا بهتر نیست که مسئله بیشتر از اینها مورد مداحقه قرار گیرد.

با سپاس از شما
رسول عباسی
۳۰ دی سال ۱۳۷۹



و مطلب مهم دیگر آنکه نسبت به یکی دیگر از موارد اعلامی در بیانیه روابط عمومی وزارت اطلاعات در ارتباط با فرار از زندان کرمان در سال ۷۱ و رفتن به عراق و شکایت اداره زندانها علیه اینجانب در سال ۷۹ اگر محتوی بیانیه صحیح بود و یا شکایت اداره زندانها محق آیا می توان متصور شد که در آنصورت من بواسطه دادگاه عمومی کرمان شعبه ۳ در مورخه ۲۷/۱۱/۷۹ تبرئه گردم و شماره حکم دادگاه بترتیب ذیل است ۷۹۶/۳/۷۹ مورخ ۲۷/۱۱/۷۹ و شماره نامه شکایت زندان ۱۱۱۳۴/۷۱/۵۱۰ می باشد.

۲۵ اسفند سال ۱۳۷۹
عباسی